



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 2, Issue 4, 2022

Guaranteeing the Implementation of Violations of Human Rights Obligations of Governments in International Law with an Approach to Criminal Jurisprudence

Mohsen Aslani¹, Seyed Qasem Zamani*², Mosoud Raei³

1. Ph.D Student in International Law, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

2. Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran. (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Law, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 59-72

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-7333-658X

TELL: +983142292929

Email: zamani@atu.ac.ir

Article history:

Received: 21 Oct 2022

Revised: 24 Oct 2022

Accepted: 13 Nov 2022

Published online: 22 Dec 2022

Keywords:

Human Rights Obligations, Government, International Law.

ABSTRACT

Human rights, as one of the most important issues in the world today, are always the subject of discussion and opinion. One of the main challenges facing human rights standards is the violation of these standards by governments. The present paper is descriptive and analytical. The findings indicate that from the perspective of international law, the commitment of governments to respect the principles of human rights is due to contractual obligations, mandatory rules, and customs. In various international documents, responsibility of governments and the guarantee of the implementation of these obligations have been specified. The sensitivity is mainly on the violation of fundamental human rights, and the payment of compensation and obtaining the satisfaction of the victim is one of the most important guarantees for the implementation of human rights rules. In jurisprudence, it is possible to accept the criminal responsibility of governments as public law entities, and governments are committed to the implementation of human rights standards if they accept international human rights obligations based on the rule of keeping promises. Violation of human rights rules was accompanied by responsibility for the government, and the government is committed to compensate the victims.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2022 The Authors.

How to Cite This Article: Aslani, M; Zamani, SQ & Raei, M (2022). "Guaranteeing the Implementation of Violations of Human Rights Obligations of Governments in International Law with an Approach to Criminal Jurisprudence". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(4): 59-72.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره چهارم، زمستان ۱۴۰۱

ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل با رویکردی به فقه جزا

محسن اصلانی^۱، سید قاسم زمانی^{۲*}، مسعود راعی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

۲. استاد، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استاد، گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

چکیده

حقوق بشر به‌عنوان یکی از موضوعات مهم جهان امروز همواره محل بحث و نظر است. یکی از چالش‌های اصلی فراروی موازین حقوق بشری، نقض این موازین از سوی دولت‌ها است. مقاله حاضر توصیفی تحلیلی بوده و یافته‌ها بر این امر دلالت دارد که از منظر حقوقی بین‌الملل، تعهد دولت‌ها به رعایت اصول حقوق بشر ناشی از تعهدات قراردادی، قواعد آمره و عرف است. در اسناد بین‌المللی مختلفی مسؤولیت حقوق بشری دولت‌ها و ضمانت اجرای این تعهدات مورد تصریح قرار گرفته است. حساسیت عمدتاً بر نقض حقوق بنیادین بشری است و پرداخت غرامت و جلب رضایت زیان‌دیده از مهم‌ترین ضمانت اجرای قواعد حقوق بشری است. در فقه نیز می‌توان قائل به پذیرش مسؤولیت کیفری دولت‌ها به‌عنوان اشخاص حقوق عمومی بوده و دولت‌ها در صورت پذیرش تعهدات حقوق بشری بین‌المللی بر اساس قاعده وفای به عهد، متعهد به اجرای موازین حقوق بشری هستند. نقض قواعد حقوق بشر برای دولت با مسؤولیت همراه بود و دولت متعهد به جبران خسارت وارد شده به بزه‌دیده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۹-۷۲

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد آرکاید: ۶۵۸X-۷۳۳۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۳۱۴۲۲۹۲۹۲۹

ایمیل: zamani@atu.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۹

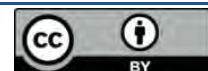
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۸/۰۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۲۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۰/۰۱

واژگان کلیدی:

تعهدات حقوق بشری، دولت، حقوق بین‌الملل.



مقدمه

یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی جامعه جهانی، توجه به مسائل حقوق بشر و مشکلات ناشی از نقض این حقوق توسط دولت‌ها است؛ به حدی که به جرأت می‌توان ادعا کرد قرن حاضر دوره توجه به این مقوله و رویکرد دولتهایی است که حقوق بشر را در عمل بتوانند نهادینه کرده و ضمانت اجرای داخلی آن را تضمین کنند. نکته مهمی که بحث ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها را چالش‌برانگیز می‌کند، دامنه و حدود مسؤولیت دولت‌ها در قبال اجرای حقوق بشر بر اساس قواعد حقوقی بین‌المللی است زیرا در کنار ضرورت رعایت و عدم نقض موازین حقوق بشری، اصل صلاحیت ملی دولت‌ها و عدم دخالت در حاکمیت داخلی کشورها نیز به رسمیت شناخته شده است. از طرفی تفکیک‌هایی که از موازین حقوق بشر در قالب قواعد بنیادین حقوق بشر و سایر قواعد حقوق بشری صورت می‌گیرد از موضوعات مهم در خصوص اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها است.

تألیفات متعددی در زمینه نقض حقوق بشر و تعهدات بین‌المللی دولت‌ها در قبال موازین حقوق بشر انجام شده است. حسین مهرپور در مقاله‌ای به بررسی سازوکارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آن‌ها در نقض حقوق بشر پرداخته است (مهرپور، ۱۳۸۸). سیدقاسم زمانی و فرشته باقری نیز در مقاله‌ای، راهکارهای حل تعارض میان تعهدات ناشی از استرداد و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها را مورد بررسی قرار داده است (زمانی و باقری، ۱۳۹۴). همچنین کیوان اقبالی در مقاله‌ای نقش دستگاه قضایی در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها را بررسی کرده است (اقبالی، ۱۴۰۰). اما ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل با رویکردی به فقه جزا مورد توجه قرار نگرفته و در مقاله حاضر تلاش شده به بررسی این موضوع پرداخته شود. سؤال اساسی این است که مبانی و سازوکارهای ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری

دولت‌ها در حقوق بین‌الملل چیست و رویکرد فقه جزا در این خصوص چگونه قابل بررسی است؟ فرضیه مقاله بدین شکل قابل طرح است که «در حقوق کیفری بین‌المللی عمدتاً برای نقض موازین بنیادین حقوق بشری مانند جنایت علیه بشریت نوعی ضمانت اجرا وجود دارد که این ضمانت هم ناشی از تعهدات قراردادی است و هم قواعد آمره حقوق بشر و پرداخت غرامت نیز از مهم‌ترین روش‌های جبران خسارت در این خصوص است. در فقه نیز مسؤولیت کیفری دولت در نقض حقوق اشخاص مورد توجه و پذیرش قرار گرفته است. در راستای بررسی سؤال و فرضیه مورد اشاره ابتدا مبنای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها بررسی شده و در ادامه ضمانت نقض حقوق بشر از سوی دولت‌ها بررسی شده و در ادامه از رویکرد فقه در این خصوص بحث شده است.

۱- ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها در حقوق بین‌الملل

پاراگراف ۵ قسمت اول اعلامیه وین و برنامه عمل مقرر داشته: «کلیه مصادیق حقوق بشر، جهانی، تفکیک‌ناپذیر، به هم وابسته و به یکدیگر مرتبط هستند». این اعلامیه که به دنبال کنفرانس جهانی سازمان ملل متحد درباره حقوق بشر در ژوئن ۱۹۹۳ در وین به تصویب رسید، به روشنی آشکار می‌سازد که تعهد دولت‌ها و به‌طور خاص دولت عضو سازمان ملل به حقوق بشر، تعهدی بی‌قیدوشرط نسبت به همه ارکان و قواعد حقوق بشر است. گرچه ممکن است که برخی در مقام انتقاد چنین استدلال نمایند که مسؤولیت بین‌المللی دولت تنها منحصر به مواردی است که در رابطه با سایر دولت‌ها و یا جامعه جهانی در کل، صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر، در موضوع طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت، از یک طرف، دولت ناقض و از طرف دیگر دولت یا دول زیان‌دیده قرار دارند، حال آنکه در خصوص نقض اصول و قواعد حقوق بشر هیچ دولت زیان‌دیده‌ای وجود ندارد تا این معادله را شکل دهد. زیرا یک‌سوی نقض قواعد حقوق بشر، دولت و در سوی دیگر اتباع و شهروندان همان دولت قرار

نقض شده در برابر اشخاص ذیل باشد: «گروهی از دولت‌ها که شامل آن دولت نیز باشد یا جامعه بین‌المللی در کلیت آن در نقض تعهد: اولاً، به‌طور خاص آن دولت را متأثر کند؛ یا ثانیاً، چنان ویژگی دارد که وضعیت سایر دولت‌هایی که تعهد در قبال آن‌ها وجود دارد را از حیث تداوم اجرای تعهد اساساً تغییر دهد.» همچنین ماده ۴۶ همین طرح در باب تعدد دولت‌های زیان‌دیده بابت تحقق یک رفتار واحد متخلفانه که قطعاً نقض حقوق بشر می‌تواند پدیدارکننده آن وضعیت باشد بیان می‌دارد: «هنگامی که چندین دولت از فعل متخلفانه بین‌المللی واحد زیان‌دیده‌اند، هر یک از آن‌ها می‌تواند به مسؤولیت دولتی که فعل متخلفانه بین‌المللی را مرتکب شده است استناد کند.» بی‌تردید نقض فاحش حقوق بشر سبب مسؤولیت بین‌المللی دولت خواهد گردید به‌طوری که سایر دولت‌ها آن‌گونه که از مستفاد رأی دیوان در پرونده *بارسلونا تراکشن* و ماده ۴۲ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت برمی‌آید، حق استناد به مسؤولیت بین‌المللی دولت ناقض حقوق بشر را خواهند داشت.

لیکن باید به این امر توجه نمود هنگامی که از مسؤولیت بین‌المللی دولت نسبت به حقوق بشر سخن به میان می‌آید، تأمین امنیت، بهداشت و آموزش، تسهیلات اقتصادی، اجتماعی و زیرساخت‌های حیاتی همانند حمل‌ونقل عمومی و غیره مشمول این مسؤولیت می‌گردد و به‌سختی می‌توان دولتی را در عصر حاضر یافت که بتواند یا بخواهد کلیه قواعد مربوط به حقوق بشر را به‌طور کامل اجرا نماید. ضمن اینکه هرگونه تلاش به‌منظور مکلف ساختن دولت‌ها به اجرای کلیه اصول و قواعد این حوزه نه‌تنها نمی‌تواند به ترویج حقوق بشر کمکی کند بلکه از آن‌رو که هیچ دولتی نمی‌تواند یا نمی‌خواهد چنین کارایی داشته باشد، در اجرای مسؤولیت خود نیز شکست‌خورده قلمداد می‌شوند و واکنش جامعه جهانی علیه آن‌ها قابل توجیه می‌گردد. از این‌رو کشورهای جهان خواهند توانست به مداخله مداوم در امور داخلی یکدیگر به سبب نقض حقوق بشر یا عدم اجرای کامل اصول و قواعد این حوزه بپردازند. در همین رابطه ماده ۵۵ طرح مواد مسؤولیت بین‌المللی دولت می‌تواند تا حدودی امکان اعمال طرح

دارند و رابطه دولت-ملت مانع از شکل‌گیری مسؤولیت بین‌المللی است. با این وجود به نظر نمی‌رسد که بتوان این نقد را وارد دانست زیرا دولت‌ها بر مبنای اصل حاکمیت، صلاحیت سرزمینی دارند و تبع حاکمیت مذکور با مسؤولیت سرزمینی نیز معادل است، فلذا دولت‌های عضو سازمان ملل متحد در حوزه اجرای تعهدات حقوق بشری مسؤول هستند.

از سوی دیگر ممکن است این دیدگاه مطرح شود که بند ۷ ماده ۲ منشور ملل متحد که بر منع مداخله در امور داخلی کشورها اشعار دارد، مانع از نظارت سازمان ملل و دولت‌های جهان بر موضوعات حقوق بشری کشورها می‌گردد زیرا که این امر در صلاحیت سرزمینی دولت هر کشوری است. پاسخ این گروه را دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی پرونده *تبعات حقوقی حضور آفریقای جنوبی در نامیبیا* داده است؛ دیوان در این رأی مشورتی کشور آفریقای جنوبی را به نقض اصل عدم تبعیض و مفاد منشور در رعایت و احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی بشر محکوم نمود. بنابراین حقوق و آزادی‌های اساسی بشر موضوعاتی نیست که نظارت بر آن با اصل عدم‌مداخله در صلاحیت سرزمینی تعارض داشته باشد. ضمن اینکه مواد ۱، ۱۳، ۵۵، ۶۲، ۶۸ و ۷۶ منشور ملل متحد، تلاش به‌منظور ترویج حقوق بشر را از جمله وظایف سازمان ملل گذارده است.

در ادامه، آن‌گونه که دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده *بارسلونا تراکشن* مطرح نموده است، در صورتی که حقوق بنیادین و تعهدات عام نقض شود، همه دولت‌های دیگر می‌توانند علیه دولت متجاوز اقدامی را صورت دهند. بنابراین بین دولتی که ناقض حقوق بشر است با تمامی دولت‌ها رابطه مسؤولیت شکل خواهد گرفت و بدین ترتیب، دولت‌های زیان‌دیده که به‌زعم دیوان بین‌المللی دادگستری شامل تمامی دولت‌ها می‌گردد، می‌توانند به «مسؤولیت دولت» ناقض حقوق بشر استناد کنند (ابراهیم گل، ۱۳۹۳: ۱۲۷). دولت زیان‌دیده حق دارد به مسؤولیت دولت دیگر استناد کند اگر مطابق بند ۲ ماده ۴۲ طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت، تعهد

نقض حقوق بشر و اعمال غیرقانونی بین‌المللی است، مسؤولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر برای اعمال غیرقانونی در سطح بین‌المللی پذیرفته شده است (مهرپور، ۱۳۸۸: ۱۸). همچنین ماده ۲۲ قطعنامه بیان می‌دارد: «بدون خدشه به وظایف و اختیاراتی که منشور به ارکان سازمان ملل متحد در صورت نقض تعهدات از سوی اعضای سازمان اعطا نموده است، دولت‌ها به‌صورت فردی یا جمعی، حق دارند نسبت به دولتی که مرتکب نقض تعهد مندرج در ماده یک شده است، اقدام‌های سیاسی و اقتصادی و سایر اقدام‌های پذیرفته شده در حقوق بین‌الملل را انجام دهند. این اقدام‌ها به‌عنوان یک مداخله نامشروع در امور داخلی آن دولت محسوب نمی‌شوند».

علاوه بر این، کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد و الحاق به قطعنامه ۵۶/۸۳ شورای عمومی سازمان ملل متحد که در تاریخ ۱۲ دسامبر ۲۰۰۱ تصویب شد، سندی بین‌المللی درباره مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر است (سیسیلیاتوس، ۱۳۸۶: ۲۳۱). طبق ماده ۲ سند مورد اشاره، یک عمل غیرقانونی در یک دولت، زمانی که آن عمل شامل فعل یا ترک فعل است، یک عمل غیرقانونی در سطح بین‌المللی شناخته می‌شود که برای مجازات به دولت تحت قوانین بین‌المللی ارجاع داده می‌شود. (صلح‌چی، ۱۳۹۳: ۱۱۲). از متون مصوب کمیسیون حقوق بین‌الملل و مؤسسه حقوق بین‌الملل به‌روشنی برمی‌آید که در صورت نقض تعهد رعایت حقوق بشر از سوی یک دولت، کلیه دولت‌ها و همچنین هریک از آن‌ها می‌توانند اقدام نمایند.

۱-۱-۲- حقوق بشر به‌عنوان قواعد آمره

کمیسیون حقوق بین‌الملل به‌عنوان یکی از ارکان فرعی سازمان ملل متحد با تهیه طرح مواد کمیسیون راجع به مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها در سال ۲۰۰۱، سندی برای احراز مسؤولیت بین‌المللی دول و نقض تعهدات ایشان به دست داده است. بر اساس ماده ۱ طرح مسؤولیت که مقرر می‌دارد: «هر فعل متخلفانه بین‌المللی دولت، موجب مسؤولیت بین‌المللی آن است» عمل متخلفانه دولت ممکن است شامل

مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها را درباره مسؤولیت دولت‌ها نسبت به حقوق بشر محدود نماید و در ضمن حل‌وفصل مسأله تبیین شده، تکلیف دولت‌ها را نیز به‌طور کل به اجرای حقوق بشر محفوظ نماید. به‌موجب این ماده: «این مواد تا جایی که شرایط تحقق فعل متخلفانه بین‌المللی یا محتوا با اجرای مسؤولیت بین‌المللی دولت، تابع قواعد خاص حقوق بین‌الملل باشد اعمال نمی‌شود.» به‌عبارت‌دیگر، تا زمانی که دولت‌های معاهد طرف یک کنوانسیون حقوق بشری بتوانند و حق داشته باشند که از حق شرط و یا حق تفسیر به نفع کاهش قوه الزام‌آوری آن معاهده برای خودشان بهره ببرند، امکان اعمال قواعد طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت‌ها نسبت به آن دولت‌ها محدود می‌گردد. بنابراین تعهدات دولت‌ها نسبت به اجرای بسیاری از قواعد و اصول حقوق بشر فاقد ویژگی مطلق بودن است بلکه تعهدات دولت‌ها به آن‌ها نسبی است و بستگی به اختیار هر دولت در برگرفتن آن تعهدات دارد.

۱-۱-۱- مبنای عدم نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها

۱-۱-۱-۱- تعهدات قراردادی

دولت‌ها و نظام‌های حکومتی که قوانین و معاهدات بین‌المللی را پذیرفته و تصویب نموده‌اند از لحاظ قراردادی در سطح بین‌الملل مسؤول و متعهد به اجرا و پذیرش قراردادها می‌باشند. قراردادها و معاهدات حقوق بشری از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد و در طول سالیان مختلف پس از تشکیل این سازمان تصویب گردیده و تعداد معتناهی از دولت‌ها نیز آن‌ها را امضا و تصویب نموده‌اند و خود را متعهد به اجرای آن می‌دانند. در مجموع حدود بیست‌وپنج معاهده بین‌المللی در زمینه حقوق بشر از سوی سازمان ملل به تصویب رسیده است که بسیاری از دولت‌ها آن‌ها را تصویب کرده و متعهد و ملتزم به اجرای آن‌ها شده‌اند (شمسایی، سلیمی ترکمانی، ۱۳۸۷: ۲۱۲).

طبق ماده ۱ قطعنامه مؤسسه حقوق بین‌الملل تحت عنوان «حمایت از حقوق بشر و اصل عدم مداخله در امور داخلی دولت‌ها» مصوب ۱۹۸۹ که درباره مسؤولیت دولت‌ها در قبال

می‌شود، اعضای منشور سازمان ملل بر اساس ماده دوم این منشور با ترتیباتی که در آن مقرر شده است مکلف و متعهد به تعقیب اهداف و مقاصد منشور می‌باشند. بنابراین صرف عضویت یک دولت در سازمان ملل متحد منجر به تعهد آن دولت نسبت به حقوق بشر خواهد شد.

علاوه بر تعهدات قراردادی و قواعد آمره، به نظر می‌رسد عرف نیز از منابع تعهدات حقوق بشری دولت‌ها است. «از نظر دیوان بین‌المللی دادگستری تعهد به رعایت موازین حقوق بشری از سوی دولت‌ها، یک قاعده حقوق بین‌المللی عرفی است. بنابراین، دولت‌ها در قبال نقض حقوق بین‌المللی بشر مسؤولیت دارند (Chiara، 2006: 530). این موضوع در طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسؤولیت دولت‌ها برای اعمال متخلفانه بین‌المللی پیش‌بینی شده است. بنابراین اگر فعل یا ترک فعلی را بتوان به دولتی منتسب کرد که منجر به نقض یک تعهد حقوقی بین‌المللی عرفی شود، می‌توان گفت دولت دارای مسؤولیت بین‌المللی است.

۱-۲- روش‌های ضمانت اجرای نقض حقوق بشر

در فهرست نقض‌هایی که موجب افزایش مسؤولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر می‌شود، بیشترین موارد مربوط به حمایت از حقوق اساسی بشر است. بنابراین بند ۳ از ماده پیش‌نویس قانون کنوانسیون حقوق بین‌الملل در سال ۱۹۹۶ در مورد واجد شرایط بودن کشورها از جنایات دولتی در نمونه‌های زیر ارائه شد: ۱) نقض جدی یک تعهد بین‌المللی در مقابل حفظ صلح و امنیت بین‌المللی، از قبیل منع تجاوز؛ ۲) نقض جدی یک تعهد بین‌المللی در مقابل حفاظت از حق خودمختاری بین‌المللی، از قبیل ممنوعیت استقرار یا نگهداری توسط قدرت سلطه استعماری؛ ۳) یک نقض جدی در یک مقیاس وسیع از یک تعهد بین‌المللی برای حفاظت از بشر مانند کسانی که برده‌داری، نسل‌کشی و آپارتاید را نقض می‌کنند؛ ۴) نقض جدی یک تعهد بین‌المللی در مقابل حفاظت و نگهداری از محیط‌زیست انسانی، از جمله مواردی

یک یا چند فعل یا ترک فعل یا ترکیبی از هر دو باشد. این تفسیر بر این نکته تأکید می‌کند که نقض تعهدات سلبی و ایجابی دولت‌ها مسؤولیت ایشان را به دنبال دارد و فرقی نمی‌کند که تخلف صورت گرفته در قالب فعل یا ترک فعل و یا ترکیبی از این دو باشد.

درواقع نقض تعهد فارق از منشأ آن مسؤولیت‌آور است. به بیان بهتر نمی‌توان میان تعهدات عرفی و یا معاهداتی دولت‌ها تمایز قائل شد. این امر در رأی دیوان داوری در قضیه رین بو باریر و دیوان دادگستری بین‌المللی در پرونده‌های کانال کورفو و فعالیت‌های نظامی و شبه‌نظامی در نیکاراگوئه مطرح شده است (ابراهیم گل، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

بند دوم ماده ۲ پیش‌نویس طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت، عنصری را لازم برای مسؤولیت بین‌المللی می‌داند که «نقض تعهد بین‌المللی آن دولت تلقی شود». آشکار است که معاهدات و کنوانسیون‌ها و تمامی توافقنامه حقوق بشری که یک دولت بدان می‌پیوندد و خودش را نسبت به ایفای تعهدات مندرج در آن توافقنامه ملزم می‌نماید، برای دولت الزام‌آور است. بدیهی است که نقض تعهدات مزبور می‌تواند برای دولت مسؤولیت بین‌المللی به بار آورد. اما حتی اگر دولتی به هیچ‌یک از معاهدات و توافقنامه‌های بین‌المللی حقوق بشری نیپیوسته باشد نیز به معنای آن نیست که آن دولت هیچ‌گونه تعهدی نسبت به حقوق بشر ندارد.

بندهای اول و سوم ماده ۱ منشور ملل متحد بیان می‌دارد: «حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و بدین منظور به عمل آوردن اقدامات دسته‌جمعی مؤثر برای جلوگیری و برطرف کردن تهدیدات علیه صلح و متوقف ساختن هرگونه عمل تجاوز یا سایر کارهای ناقض صلح و فراهم آوردن موجبات تعدیل و حل‌وفصل اختلافات بین‌المللی یا وضعیت‌هایی که ممکن است منجر به نقض صلح گردد با شیوه‌های مسالمت‌آمیز و بر طبق اصول عدالت و حقوق بین‌الملل». آشکار است که احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه مردم همانند مسأله صلح و امنیت بین‌المللی از جمله اهداف و مقاصد منشور ملل متحد محسوب

۱-۳- تحلیل ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها با نگاهی به رویکرد دیوان کیفری بین‌المللی

در گذشته، اقدامات انفرادی دولت‌ها در جهت ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه به روش‌های گوناگونی بود؛ از جمله روشی که به نظارت‌های داخلی در راستای تضمین حقوق بشردوستانه نظیر بهره‌گیری از خدمات مشاورین حقوقی مربوطه، توجه می‌نمود و با روش‌ها و اقداماتی که دولت‌های درگیر در قبال نقض حقوق بشردوستانه از طرف یکدیگر در قالب اقدامات تنبیهی انجام می‌دادند و با روش‌هایی که دول ثابت مبنی بر رعایت حقوق بشردوستانه در راستای وظیفه‌ای که دول متساعد کنوانسیون ژنو برعهده گرفته‌اند، اعمال می‌کنند و همچنین مهم‌ترین مسؤلیت و اقدام مؤثر در این زمینه که استرداد و یا محاکمه ناقضان حقوق بشردوستانه از طرف دولت‌ها است، همگی می‌توانند عواملی در جهت ضمانت اجرای حقوق بشردوستانه باشند. اقدامات جمعی دولت‌ها نیز در زمینه تضمین اجرای حقوق بشردوستانه می‌تواند در چارچوب سازمان ملل و یا خارج از این چارچوب صورت گیرد. در مرحله اول با بررسی عملکرد نهادهای سازمان ملل از جمله مجمع عمومی، شورای امنیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، که نشان داد هر یک در این زمینه ایفاگر نقش مهمی هستند و در مرحله دوم با بررسی نقش نهادهای غیردولتی، از جمله صلیب سرخ و کمیسیون حقیقت‌یاب که با توجه به آنچه از جمله وظایفشان در جهت تضمین قواعد بشردوستانه و از طرف دیگر عملکردشان در این راستا برمی‌آید به‌خوبی نشان از نقش برجسته آن‌ها در ضمانت اجرای قواعد بشردوستانه بین‌المللی دارد (دریایی بغدادآبادی و سلیمیان، ۱۳۹۴: ۳۰۹).

ایجاد مکانیزم‌هایی برای جلوگیری از نقض شدید حقوق بشر و توسعه اختیارات قضایی کیفری در سطح جهانی نیز تمایل بین‌المللی به پشت سر گذاشتن حقوق بشر و حقوق بشردوستانه از سطح بین دولتی و رسیدن به سطح واقعی (نهایی) برخورداری بشر از حمایت (منظور سطح افراد و

که آلودگی گسترده جوی یا دریایی را به وجود می‌آورد. (لاجوردی، ۱۳۹۸: ۱۲۳).

در قبال نقض حقوق بشر در حقوق مسؤلیت بین‌المللی (غیر کیفری)، مقرر در طرح مواد راجع به مسؤلیت کشورها، پیامدها عبارت‌اند از: اعاده وضعیت به حال سابق (ماده ۳۵)، جلب رضایت زیان‌دیده (ماده ۳۷)، اقدامات متقابل (مواد ۴۹ تا ۵۴)، پرداخت غرامت (مواد ۳۶، ۳۸ و ۳۹) در مجموع هیچ‌یک از موارد مذکور، مانع از مطالبه ضرر و زیان مادی نخواهد بود.^۱

علاوه بر حکم به مجازات که در ماده ۷۷ اساسنامه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی تصریح شده است. اعاده وضعیت به حال سابق از دیگر روش‌های جبران خسارت بزه‌دیده است. اعاده وضعیت به حال سابق موضوع ماده ۳۵ مصوبه کمیسیون حقوق بین‌الملل است. مطابق ماده مذکور، «بازگرداندن به وضع سابق عبارت است از برقراری مجدد وضعیتی که پیش از ارتکاب عمل غیرقانونی وجود داشته است». همچنین پرداخت غرامت از مهمترین روش‌های جبران خسارت نقض حقوق بشر است که در ماده ۸۵ اساسنامه اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی بیان شده است. علاوه بر این، همچنین بر طبق ماده ۳۶ دولتی که مسؤول تخلف بین‌المللی است ملزم به جبران خسارت وارده ناشی از تخلف تا حدودی که خسارت مزبور از طریق اعاده ترمیم نگردیده، می‌باشد.

به موارد مورد اشاره باید جلب رضایت زیان‌دیده را اضافه کرد. مطابق ماده ۳۷ مصوبه کمیسیون حقوق بین‌المللی: «دولت مسؤول در اعمال بین‌المللی غیرقانونی، چنانچه قادر به اعاده وضع به سابق و یا جبران خسارت نباشد، می‌بایست اقدامات لازم را در جهت جلب رضایت متضرر به عمل آورد».

¹ - Draft articles on Responsibility of states for international wrongful act Report the ICL on the work of fifty-third session. Nov 2001.

دولت‌ها بایستی با دیوان همکاری کنند و دیوان بنا به مقتضیات و توانایی دولت‌ها در ارجاع پرونده و مراحل تحقیق و سازوکارهای تحقق مسؤلیت را به دولت‌ها محول نماید. دولت‌ها نیز گزارش جنایات واقعه را بایستی به دادستان دیوان ارجاع نمایند. ماده ۱۳ اساسنامه دیوان نیز به این موضوع پرداخته است. یک دولت عضو بایستی وضعیتی را که به نظر می‌رسد در آن یک یا چند ارتکاب یافته است، به موجب ماده ۱۴ به دادستان دیوان ارجاع نماید. این ماده در مورد شورای امنیت نیز صدق می‌کند. دیوان کیفری بین‌المللی در بدو امر شروع به تحقیق می‌کند و با استفاده از سازوکارهای تحقیق همانند شهادت، شاهد، تعقیب و بازرسی به شناسایی عدل و عوامل جرم و مجازات می‌پردازد و هرچند تاکنون درباره بسیاری موارد به دلایل سیاسی و نفوذ کشورهایی که حق وتو دارند، جرایم متعددی از رسیدگی در دیوان مصون مانده‌اند. اما امروزه کشورها یا به‌نوعی تمامی افراد جهان می‌توانند با توسل به رویه‌های دیوان از حقوق حقه خود دفاع کنند. صلاحیت دیوان دربرگیرنده چهار حیطة موضوعی جنایات ضد بشریت، جنایات نسل‌کشی، جنایات جنگی و جنایات تجاوز ارضی است (کشکولی و مرادی، ۱۳۹۵: ۱۴۹).

از پیدایش دیوان کیفری بین‌المللی تاکنون دادگاه‌های متعددی به وجود آمده است و ماحصل این دادگاه‌ها تصویب اساسنامه و مواد قانونی برای پیشگیری از جرم و محاکمه مجرمین بوده است. نتیجه عملی دادگاه کیفری بین‌المللی امری فراگیر و جهان‌شمول است و دربرگیرنده دول عضو و غیر عضو است و لذا همگان مستلزم به رعایت آن در سطوح بین‌المللی هستند. این برون‌داد، دولت‌ها را به هر گرایش و حکومتی به یکدیگر نزدیک کرده و زمینه ارتکاب جرم را کم‌رنگ کرده است. درواقع دیوان کیفری بین‌المللی تمامی کشورها را با هر رنگ و نژاد و هر آیین حقوقی به مثابه یک جامعه بین‌المللی در نظر گرفته که ارتکاب جرم در هر نقطه از آن امری واحد و نیازمند بررسی و مسؤلیتی عمومی است و دولت‌ها در قبال جرایم رخ‌داده مسؤول هستند و ملزم به

گروه‌های افراد) را آشکار می‌گرداند (Abi-Saab, 1984:267).

تفسیر حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ خاطر نشان می‌کند که کنوانسیون‌های اول و سوم ژنو دربردارنده مکانیزم‌های مؤثر و قطعیت یافته‌ای هستند که به اشخاص تحت حمایت اجازه می‌دهد به حقوق خود در مقابل کشور متعاهدی که آن‌ها را توقیف نموده‌اند، استناد کنند، بدون این‌که لزوماً نیازی به مداخله کشور متبوع آن‌ها باشد (Pictet, 2015:39). این رابطه همزیستی بین حقوق بشر و حقوق بشردوستانه به‌واسطه اعمال و اقدامات مؤسسات و تشکیلات حقوق بشری بیشتر تشویق و ترویج شده است (Abella, 1997:189).

این تشکیلات ضمن اجرای حقوق بشردوستانه اغلب با ناکارآمدی و ناکافی بودن نظرات اهل خبره، در حوزه حقوق جنگ مواجه می‌شوند. آن‌ها به این موضوع توجه دارند که به نتایج قاطع برسند درحالی‌که متخصصان حقوق بشردوستانه رسیدن به آن را سخت و گیج‌کننده می‌یابند. با این حال بزرگ‌ترین نقطه قوت آن‌ها همین آرمان‌گرایی شدید و بی‌ریایی آن‌ها است. درحال حاضر تنها چند مؤسسه قضایی و تخصصی بشردوستانه در سطح جهان وجود دارد، بنابراین تشکیلات تخصصی حقوق بشر این خلاء سازمانی و ساختاری را پر می‌کنند و حتی سمت‌وسوی حقوق بین‌الملل بشردوستانه را بیشتر متمایل به حقوق بشر می‌نمایند.

رویه‌های دیوان کیفری بین‌المللی در بررسی موارد ارتكابی در بیشتر مناطق دنیا بر اساس موازین حقوقی و قانونی است. گاه قوانین اتخاذ شده از سمت دیوان بین‌المللی کیفری می‌تواند در نقطه مقابل با قوانین دولت‌ها و حاکمیت دولت و گاه مغایر با مقررات مدنظر شورای امنیت باشد. بنابراین در رویه‌های دیوان شاهد ارجاع پرونده‌ها به دولت و شورای امنیت می‌باشیم تا با سازوکارهای حقوقی و بررسی جرایم به نتایج مطلوب از لحاظ حقوقی و کیفری منتهی شود. در این راستا

رعایت آن را در زمره واجبات شمارد. از دید اسلام حقوق بشر یک اعتقاد درونی و برخاسته از فطرت پاک آن‌ها است. در پرتو کرامت بشری انسان حقوقی را به دست می‌آورد و هیچ‌کس در روی زمین نمی‌تواند بر آن سلطه یابد. حقوق بشر خاستگاه دینی دارد و برای اثبات این ادعا ریشه آن را در کتاب‌های آسمانی به‌ویژه قرآن کریم باید جست.

پرداختن به شؤناتی فراتر از انحصار در روابط انسان و خدا به‌مراتب در فقه شیعه پررنگ‌تر از فقه عامه است تا جایی که برخی از علمای عامه مانند علی عبدالرزاق تصریح کرده‌اند که شریعت اسلام تنها برای تنظیم روابط میان انسان و خدا برنامه ارائه داده است (العنبری، ۱۴۱۸: ۱۸). اما به‌طور کل شیعه معتقد است اسلام مجموعه قواعد و اصول فقهی و حقوقی است که عهده‌دار تنظیم روابط مسلمین با خودشان و ملل غیرمسلمان عالم بر اساس مبانی قسط و عدل بوده و تحقق فلاح و آزادی و عدالت را منحصرأ در سایه توحید عملی می‌داند (شکوری، ۱۳۶۱: ۷۱/۱).

اسلام، به‌عنوان مکتبی برخاسته از تعالیم الهی دارای نگرشی جامع به موضوعاتی است که نوع بشر در طول زندگی خود با آن سروکار دارد. تعلیمات اسلامی به جنبه فردی محدود نشده و برای یک جامعه بشری تدابیری اندیشیده است تا در سایه آن بشر بتواند به رشد و تعالی خود ادامه بدهد. همچنین در اسلام به معضلات جوامع از دریچه‌ای نگرسته شده است که بتوان توسط آن ابتدا از ارتکاب جرایم جلوگیری کرد، سپس اگر تخلفی رخ داد، بتوان با آن مقابله قانونمند کرد تا جلوی تسری آن را گرفت.

به‌طور کل در فقه اسلامی مقابله با جرایم به صورتی پیش‌بینی شده است که در دو باب اصلی حدود و تعزیرات در مورد آن بحث و گفتگو می‌شود. حدود، عقوبتی است که برای آن در کتاب و سنت اندازه‌ای معین شده است. تعزیرات، عقوبتی است که برای آن در کتاب و سنت اندازه‌ای معین شده نشده است (محقق حلی، ۱۴۰۹: ۹۳۲/۴). هر یک از این

همکاری. اما با بررسی جرایم ارتكابی در سطح جهان و مطالعه موردی این جرایم آشکار می‌شود برخی از دول با استناد به قوانین داخلی و برای حفظ منافع خود در روند اجرایی احکام صادره از سوی دیوان خلل ایجاد می‌نمایند. تاکنون به‌دفعات جنایات ممنوعه از سوی کشورهای که ابرقدرت محسوب می‌شوند، رخ داده است و هیچ محاکمه‌ای به دنبال نداشته است و در سایه این کشورها، دولت‌های دیگر نیز اقدام به جنایات می‌کنند و این نقطه‌ضعف دیوان است که ماهیت وجودی آن را دچار تزلزل نموده است.

۲- رویکرد فقه به نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها

واژه بشر ۳۶ بار به صورت‌های «البشر، بشرا، بشرین» در قرآن ذکر شده است که در تمامی این موارد جسم و هیأت مادی و ظاهری انسان مورد توجه می‌باشد (بنت الشاطی، ۱۹۹۵: ۱۵). مفهوم اسلامی حقوق بشر از این خاستگاه سرچشمه می‌گیرد که انسان مخلوق خدا است؛ بر سایر مخلوقات با توجه به عقل، اراده و مسؤولیت برتری دارد. خداوند همه‌چیز در کائنات را در خدمت انسان قرار داده و به انسان قدرت تسخیر کائنات را عطا بخشیده است. مردم در اصل خلقت باهم برابر و مساوی‌اند و هیچ تمیز و برتری به اساس رنگ، جنس یا قوم در میانشان قابل قبول نیست. انسان خلیفه خدا در زمین است: **وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً** (البقره/۳۰). بر همین اساس انسان بر همه مخلوقات برتری و فضیلت دارد. نکته قابل توجه و راهگشا در مطالعه جایگاه حقوق بشر در اسلام مراجعه به متون اصیل این دین یعنی قرآن می‌باشد. مسلم آن که نوع نگاه هر نظام به انسان و آغاز و انجامی که هر نظام فکری برای سعادت بشر ترسیم می‌کند، در تعریف حقوق بشر می‌تواند مؤثر باشد. در اسلام محور بحث‌های حقوق بشر انسان کمال یافته است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ۶۷). نظر به این که اساس این حقوق بر مبنای فطرت آدمی پایه‌گذاری شده و از آنجا که اسلام دین مبتنی بر فطرت است، بدیهی است که متکفل تحقق این امر بوده، بر حمایت جدی از حقوق بشر اصرار ورزد و

هیچ‌یک از واجبات الهی همانند وفای عهد به عهد نیست (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ۵۳). پس در نتیجه، قرآن کریم به‌عنوان کتاب الهی مسلمانان و همچنین سیره عملی ائمه، نشان‌دهنده دقت فراوان شرع مقدس اسلام بر پایبندی نسبت به تعهدات دارد و اسلام به‌عنوان یک سیاست راهبردی، نقض پیمان و تعهدات را به‌هیچ‌وجه جایز نمی‌داند و در واقع تا زمانی که طرف مقابل از تعهد خود تخلف نکرده، وفای به عهد واجب و لازم است.

۲-۲- مسؤولیت کیفری دولت در اسلام در قبال نقض موازین حقوق بشری

در قرآن آیات زیادی وجود دارد که به وجود شخصیت حقوقی، تحقق جرم از سوی او و مسؤولیت کیفری وی اشاره دارد و می‌تواند به نحوی، اشاره به مسؤولیت کیفری دولت نیز داشته باشد. این آیات عبارت‌اند از: «باید از میان شما جمعی دعوت به نیکی کند و امر به معروف و نهی از منکر نمایند و آن‌ها رستگارانند» (آل عمران/۱۰۴). «شما بهترین امتی بودید که به سود انسان‌ها آفریده شدید چه اینکه امر به معروف و نهی از منکر می‌کنید، و به خدا ایمان دارید و اگر اهل کتاب به چنین برنامه و آیین درخشانی ایمان آورند به سود آن‌ها است ولی تنها عده کمی از آن‌ها با ایمانند و اکثر آن‌ها فاسق می‌باشند» (آل عمران/۱۰). «و از قوم موسی، گروهی به‌سوی حق هدایت می‌کند و حاکم به‌حق و عدالت‌اند» (اعراف/۱۵۹). در این آیات شریفه، خداوند متعال بیان می‌فرماید که امت‌ها (گروه‌هایی) وجود داشته و دارند که امر به معروف و نهی از منکر می‌کند و اجراکننده عدالت هستند. وقتی صحبت از گروه شد، یعنی وجود یک شخصیت حقوقی وراء اشخاص تشکیل‌دهنده آن، و گرنه دلیلی نداشت که در این آیات اشاره به انجام این اعمال از جانب گروه شود. در آیه اول صریحاً بیان می‌دارد: «از میان شما جمعی...»، نه افرادی، دعوت به نیکی می‌کند و این دلیلی واضح بر اعتبار بخشیدن قرآن به اشخاص حقوقی می‌باشد.

قسمت‌های دیگر از آیات، خبر از وقوع جرم و تحقق آن، از سوی اشخاص حقیقی و حقوقی را می‌دهند. این آیات صفت

عناوین در کتب فقهی شیعه به‌صورت مفصل به بیان جرایم و مجازات‌های آن پرداخته و در این چارچوب مشخص قوانین الهی در برخورد با متخلفین مشخص شده است. پس در نتیجه از دیدگاه اسلام برخورد با جرایم به‌عنوان یک اصل ثابت و پذیرفته‌شده وجود دارد و می‌توان گفت بخش قابل‌توجهی از فقه شیعه مربوط به همین موضوع می‌شود.

۲-۱- مبانی تعهدات دولت در قبال نقض موازین حقوق بشری

در اسلام وفای به عهد یکی از فرایض و از جمله آداب فقهی و اجتماعی به شمار می‌رود که بارها از جانب خداوند بر آن تأکید شده و همگان مجبور به رعایت آن شده‌اند. ضرورت حفظ این اصل تا جایی مدنظر شارع مقدس بوده است که در قرآن کریم یکی از ویژگی‌های مؤمنین شمرده شده است. آنجا که می‌فرماید: «آنانی هستند که امانت‌ها و پیمان‌های خود را رعایت کننده‌اند» (مؤمنون/۸). این اصل از دیدگاه اسلام منحصر به تعهدات داخلی نبوده و قرآن کریم بر وفاداری مسلمانان بر عهد با مشرکین نیز تأکید می‌کند. همان‌هایی که از لحاظ اعتقادی نقطه مقابل مسلمانان قرار دارند اما قرآن کریم در مورد عهدی که با آن‌ها بسته شده است می‌فرماید: «مگر کسانی از مشرکان که با آن‌ها پیمان بستید سپس چیزی از تعهداتشان را از شما کم نگذاشته‌اند و احدی از دشمنانتان را بر ضد شما یاری نکرده‌اند پس پیمان آن‌ها را تا آخر مدتشان به پایان رسانید که همانا خداوند پرهیزکاران را دوست دارد» (التوبه/۴).

همچنین آنچه از سنت اهل‌بیت نشان می‌دهد ائمه دین، بر این اصل تأکید ویژه‌ای داشته‌اند و بارها در موضوعات مختلف نسبت به آن تذکر داده‌اند. در نامه امام علی (ع) به مالک اشتر فرماندار مصر، می‌توان دیدگاه اسلام اصیل را در مورد جایگاه لزوم وفای به تعهدات و میزان ارزشی که ائمه دین به‌عنوان حجت‌های الهی بر این امر داشته‌اند ملاحظه کرد: «اگر پیمانی بین تو و دشمن منعقد گردید، یا در پناه خود او را امان دادی، به عهد خویش وفادار باش و بر آنچه بر عهده گرفتی امانت‌دار باش و جان خود را سپر پیمان خودگردان؛ زیرا

هر کدام از اقسام چهارگانه‌ای که در اقسام جرایم دولت ذکر گردید، می‌تواند دربردارنده مسؤلیت کیفری بیان شده توسط آیات باشد. البته باید گفت که در این آیات اشاره‌ای به کیفیت تحقق مسؤلیت کیفری نشده است؛ به عبارت دیگر در آیات مذکور مشخص نشده است که در صورت تحقق جرم، این مسؤلیت و مجازات آن بر گردن چه شخص یا اشخاصی می‌افتد.

۲-۳- ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها

پیکار با ناقضین حقوق دیگران که می‌تواند موازین حقوق بشری باشد از مهمترین ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها از منظر قرآن کریم است. در آیه سوره حجرات آمده است: «هرگاه دو گروه از مؤمنان باهم به نزاع و جنگ بپردازند، در میان آن‌ها صلح برقرار سازید، و اگر یکی از آن‌ها بر دیگری تجاوز کند، با طایفه ظالم و یاغی پیکار کنید تا به فرمان خدا بازگردد، هرگاه بازگشت و زمینه صلح فراهم گردید، میان آن دو بر طریق عدالت صلح رفتار کنید و عدالت‌پیشه کنید که خداوند عدالت‌پیشگان را دوست دارد» در حال، «آیه شریفه، ناظر به صورت بغی و تجاوز یک گروه یا کشور مسلمان بر گروه و یا کشور مسلمان دیگر است» (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ۳۳۷) که بر اساس آن همه مسلمانان موظف هستند، متجاوز را تنبیه و کیفر نمایند، (خواه این متجاوز، از اشخاص حقوق خصوصی باشد یا حقوق عمومی)، زیرا آیه شریفه در این زمینه اطلاق دارد. همچنین در آیه ۷۵ سوره نساء آمده است: «چرا در راه خدا و در راه نجات مردان، زنان و کودکانی که به دست ستمگران تضعیف شده‌اند پیکار نمی‌کنید؟ همان افراد ستم‌دیده‌ای که می‌گویند: خدایا! ما را از این شهر (مکه) که اهلش ستمگرند، بیرون ببر، و برای ما از طرف خودسرپرست قرار بده و از طرف خود، یار و یابری برای ما تعیین فرما». بر اساس مفاد آیه مورد اشاره، اگر عده‌ای در درون یک کشور مورد ظلم و ستم قرار بگیرند و تقاضای کمک نمایند، اگر در داخل کشور اسلامی مرجعی هست که به فریاد آن‌ها برسد، باید بی‌دریغ اقدام کند و همچنین هر کشور اسلامی در قبال سایر مسلمین این وظیفه را بر عهده دارد و به دستور صریح قرآن باید آن گروه

مجرمیت را برای قوم ذکر کرده و به همین خاطر یک عقاب و کیفر دسته‌جمعی را برای آنان برگزیده است تا از این طریق اعلام کند که هرگاه گروه و قومی مرتکب خلاف و معصیتی شدند، تمام افراد گروه مقصرند و مورد بازخواست و مجازات قرار می‌گیرند: «و تکبر ورزیدند و جمعیت گناهکاری بودند». (اعراف/۱۳۳) «و این‌گونه گناهکاران (متکبر) را، مجازات سخت خواهیم کرد» (اعراف، ۴۰). «موسی) به پیشگاه پروردگارش عرضه داشت که این‌ها قومی مجرم‌اند» (دخان، ۲۲).

در آیات دیگری، مسؤلیت اشخاص مطرح می‌شود و اینکه این اشخاص، در قبال اعمال، رفتارها و گفتارهایشان مورد سؤال و بازخواست قرار خواهند گرفت. آیات فراوانی در قرآن، مشتق از مواد «أخذ» و «سأل» وجود دارد که قابل تطبیق در بحث موردنظر ما می‌باشد. این آیات، نه به‌طور مستقیم، ولی تلویحاً اشاره به مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی نیز دارد که قابل استفاده در مورد شخص حقوقی دولت نیز می‌باشد: «... و خداوند آن‌ها را به (کیفر) گناهانشان گرفت و خداوند شدید العقاب است» (آل عمران/۱۱). «... ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم» (اعراف/۹۶). «... ولی خداوند آن‌ها را به کیفر گناهشان مؤاخذه کرد» (غافر/۲۱). «به پروردگارت سوگند که از همه آن‌ها پرسش خواهیم کرد» (الحجر/۹۲). «... به خدا سوگند که از این دروغ و تهمت‌ها سؤال خواهید شد» (النحل/۵۶). «... و شما از آنچه انجام می‌دادید بازخواست خواهید شد» (النحل، ۹۳). «آن‌ها را نگاه‌دارید که مسؤیلتند و باید بازخواست شوند» (الصافات/۲۴).

با توجه به کلیتی که این دسته از آیات در رابطه با مسؤلیت کیفری دارد، هم قابل استفاده در مورد اشخاص حقیقی است و هم اشخاص حقوقی، زیرا از ظاهر آیات تخصیص بر نمی‌آید. بنابراین تمامی این آیات شریفه، به‌نوعی می‌تواند مسؤلیت کیفری اشخاص حقوقی، از جمله دولت را اثبات کند و در صورت ارتکاب هرگونه جرمی، آن‌ها را مسؤول اقدامات مجرمانه‌شان بشناسد. مطلب دیگر اینکه آیات فوق، مسؤلیت کیفری را مخصوص نوع خاصی از جرایم ننموده است، بلکه

را ملزم به جبران خسارت می‌کرد. درحالی‌که ایشان، علی (ع) را به‌عنوان نماینده از طرف دولت اسلامی، برای بررسی و جبران خسارت‌ها به آن منطقه فرستاد. این عمل که به دستور پیامبر اکرم (ص)، به‌عنوان حاکم اسلامی، توسط امام علی (ع) در برابر قبیله زیان‌دیده «جذیمه»، که ظاهر مسلمان هم نبوده‌اند، انجام شد، می‌تواند الگو و الهام‌بخش تمام دول اسلامی، در زمینه مسؤلیت کیفری آن‌ها باشد.

نتیجه‌گیری

نقض حقوق بشر در زمره اعمال متخلفانه بین‌المللی است که از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است. در بحث دامنه و کیفیت تعهد دولت‌ها به اجرای حقوق بشر می‌توان چنین نتیجه گرفت که تعهدات دولت‌ها نسبت به حقوق بشر به دودسته تقسیم می‌شوند: تعهدات قراردادی و دیگری تعهدات آمره. تعهدات قراردادی تعهدات دولت‌ها در قبال حقوق بشر می‌باشد همان تعهداتی است که دولت‌ها در نتیجه پذیرش یک کنوانسیون حقوق بشری متعهد می‌شوند و تعهدات آمره آن دسته از قواعد آمره بین‌المللی است که دولت‌ها را به‌طور قهری به تبعیت از خودشان وادار می‌کنند، خواه دولت‌ها آن را بپذیرند و یا نپذیرند. کلیه تعهدات آمره دول به اصول آمره حقوق بشر همچون ممنوعیت شکنجه، برده‌داری و نسل‌کشی به‌طور مطلق برای آنان لازم‌الاتباع و الزام‌آور است. از این رو نقض آن می‌تواند واکنش جامعه جهانی را نسبت به دولت ناقض حقوق بشر در پی داشته باشد. لیکن مسؤلیت دولت‌ها نسبت به سایر اصول حقوق بشر به اراده آن هر دولت در بر گفتن تعهدات خاص حقوق بشری بستگی دارد.

قواعد حقوق بشر، هر نوع رفتاری از سوی مقامات صلاحیت‌دار دولت‌ها، سازمان ملل متحد یا سایر سازمان‌های بین‌المللی که دلالت بر دخالت در امور داخلی کشورها را داشته باشد، از جمله وضع تحریم و محکوم ساختن وضعیت حقوق بشری یک کشور به‌واسطه صدور قطعنامه، بیانیه‌ای با اظهار نظر رسمی از نقطه نظر حقوق بین‌الملل بی‌اعتبار بوده و دخالت در امور داخلی یک کشور محسوب می‌گردد که

ظالم، به مجازات عمل مجرمانه خود برسد و باید با او به مبارزه برخاست. از این آیه شریفه، هم می‌توان مسؤلیت کیفری دولت‌ها را استخراج کرد و هم لزوم مجازات آن‌ها را. در این آیه شریفه دو هدف الهی و انسانی جهاد مقدس، به‌خوبی تجلی پیدا کرده است و می‌تواند در زمینه حمایت دیپلماتیک هم قابل استناد باشد، با این فرض که حمایت دیپلماتیک، منحصر به اتباع یک کشور اسلامی نیست، بلکه همه مسلمانان، حتی مظلومان عالم را در برمی‌گیرد.

جبران خسارت از دیگر سازوکارهای ضمانت اجرای نقض تعهدات حقوق بشری دولت‌ها از منظر فقهی است. در این خصوص می‌توان به نمونه‌های تاریخی در صدر اسلام اشاره کرد. پیامبر اکرم (ص) پس از فتح مکه، نیروهایی را به اطراف مکه اعزام کردند تا مردم را به اسلام دعوت نمایند. از جمله خالد بن ولید را با لشکری به‌سوی قبیله جذیمه فرستاد، مأموریت او دعوت مردم به اسلام بود و اذن جنگ نداشت، هنگامی‌که خالد به آنجا رسید، قبیله جذیمه با سلاح به مقابله برخاستند، خالد به آن‌ها پیشنهاد امان داد، آن‌ها به اعتبار امان پیشنهاد خالد را پذیرفته و اسلحه‌شان را بر زمین گذاشتند، اما خالد از فرصت سوءاستفاده نمود و آن‌ها را قتل‌عام کرد. چون این خبر به پیامبر اکرم (ص) رسید، حضرت دستان مبارک را به‌طرف آسمان بلند کردند و فرمودند: پروردگارا از رفتاری که خالد مرتکب شده به‌سوی تو بی‌بازاری می‌جویم. سپس امام علی (ع) را با مقداری از اموال به‌منظور رسیدگی به آسیب‌دیدگان و جبران خسارت‌های وارده به‌سوی قبیله «جذیمه» فرستادند و فرمان دادند تأدیه کشته‌ها و خسارت‌های مالی آن‌ها را پرداخت و آن‌ها را راضی نماید (مفید، ۱۴۱۴: ۵۴). این قضیه نمونه بارز پذیرش مسؤلیت کیفری شخصیت حقوقی دولت اسلامی، به‌واسطه عمل مجرمانه‌ای است که یکی از عمال حکومت، به نمایندگی از جانب دولت، انجام داده است. اگر اسلام قائل به اعتبار این نوع از مسؤلیت نبود، پیامبر (ص) خود «خالد» را باوجود اینکه اذن در جنگ نداشت، مسؤول می‌شناخت و وی

زیانی که وارد کرده، ضارب و مجرم شناخته می‌شود. بنابراین، این شخص حقوقی دولت است که باید از پس خسارات جانی پامالی که وارد کرده برآید و ضرر وارده را جبران نماید و به کیفر عمل ارتكابی خود برسد.

ملاحظات اخلاقی: در پژوهش انجام شده، حفظ اصالت متون و امانت‌داری در نقل گفتار، به‌عنوان مهم‌ترین بایسته‌های اخلاقی، مورد نظر نویسندگان بوده است.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: در این پژوهش، نویسنده نخست به‌عنوان نویسنده اصلی متن و سایر نویسندگان به‌عنوان ناظر علمی عمل کرده‌اند.

تشکر و قدردانی: از همه بزرگوارانی که در نگارش این مقاله، راهنمایی داشتند، نهایت قدردانی و تشکر را دارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابراهیم گل، علیرضا (۱۳۹۳). *مسئولیت بین‌المللی دولت*. چاپ ششم، تهران: انتشارات موسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی شهر دانش

- اقبالی، کیوان (۱۴۰۰). «نقش دستگاه قضایی در نظارت بر تعلیق ایفای تعهدات حقوق بشری دولت‌ها». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۵(۱۱۴): ۵۳-۷۸.

- العنبری، خالد بن علی بن محمد (۱۴۱۸). *فقه السیاسة الشرعية فی ضوء القرآن و السنة*. الرياض: مکتبه الملک فهد الوطنیه أثناء النشر.

- بنت الشاطی، عایشه عبدالرحمن (۱۹۹۵). *القرآن و قضایا الانسان*. قاهره: دارالمعارف.

کشورها از آن منع گشته‌اند. زیرا تا زمانی که دولت کشوری نسبت به چیزی متعهد نشده است یا این تعهد به‌موجب هیچ قاعده الزام‌آور مانند قواعد آمره حقوق بین‌الملل با روش الزام‌آور مانند قطعنامه‌های الزام‌آور شورای امنیت به آن تحمیل نشده است، مسؤولیتی نسبت به آن ندارد. از این رو عدم اجرای یک قاعده خاص حقوق بشر که دولتی نسبت به انجام آن تعهدی نداشته باشد، نقض تعهد یا رفتار متخلفانه آن دولت نسبت به جامعه جهانی محسوب نخواهد گشت و هیچ رابطه مسؤولیت بین آن دولت و جامعه جهانی شکل نخواهد گرفت. در چنین شرایطی جامعه جهانی نیز این حق را نخواهد داشت که به استناد نقض تعهد نسبت به حقوق بشر، علیه آن دولت اقدامی نماید یا دخالت در امور داخلی آن دولت کشور نماید. امروزه با وجود طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در رابطه با مسؤولیت دولت‌ها و همین‌طور منابع حقوق بشر، مرز مشخصی میان قواعد آمره و تعهدات قراردادی برای تعیین مسؤولیت نسبت به نقض حقوق بشر وجود ندارد.

در فقه اسلام نیز مسؤولیت کیفری دولت در قبال نقض تعهدات حقوق بشری پذیرفته شده است. از منظر فقهی دولت به‌عنوان یک شخص حقوقی در مقابل حقوقی دیگران دارای تعهداتی قراردادی است که بر اساس اصل وفای به عهد لازم‌الاجراست. در واقع دولت چنانچه متعهد به پذیرش قواعد حقوقی بشری شده است، اجرای تعهدات در این خصوص گریزناپذیر است. تبیین آیات و روایات بر این امر دلالت دارد که اگر ضرر وارده از سوی دولت، علاوه بر ایجاد مسؤولیت حقوقی، جرم نیز تلقی شود، این قاعده می‌تواند علاوه بر نفي ضرر حقوقی، با نفي ضرر کیفری، مبنایی باشد برای ایجاد مسؤولیت کیفری و مستحق مجازات دانستن شخص واردکننده ضرر. پرواضح است که اگر دولتی با استفاده از قدرت حاکمیتی خود، به‌صورت غیرقانونی دست به سرکوب مردم بزند و یا بدون مجوز قانونی اقدام به تخریب اموال خصوصی و یا عمومی مردم و یا ایراد خسارت به آن‌ها بکند، مسؤول اعمال غیرقانونی خود می‌باشد و به سبب ضرر و

- محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۹). *شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. جلد چهارم، قم: انتشارات استقلال.

- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴). *الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*. بیروت: دارالمفید.

- مهرپور، حسین (۱۳۸۸). «سازوکارهای بین‌المللی و میزان بازدارندگی آن‌ها در نقض حقوق بشر». *مجله روابط خارجی*، ۱(۴): ۷-۴۲.

ب. منابع انگلیسی

- Abella, V (1997). *Decided by the Inter-America Commission on Human Rights*, Report NO: 55/97;189

- Abi-Saab, G (1984). *The Specificities of Humanitarian Law*. in *Studies and Essays on International Humanitarian Law and Red Cross Principles*.

- Chiara, E (2006). "Business Goes to War: Private Military/Security Companies and International Humanitarian Law". *International Review of the Red Cross*, 88(863): 525-572.

- Pictet, J (2015). "Commentary on the Geneva Convention for the Amelioration of the condition of the Wounded and Sick in Armed Forces in the Field". *International Review of the Red Cross*, 97(900): 1209-1226.

- جوادی‌آملی، عبدالله (۱۳۹۷). *فلسفه حقوق بشر*. چاپ هفتم، قم: انتشارات اسراء.

- زمانی، سید قاسم و باقری، فرشته (۱۳۹۴). «راهکارهای حل تعارض میان تعهدات ناشی از استرداد و تعهدات حقوق بشری دولت‌ها». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۳(۵): ۱۵۶-۱۳۵.

- سیسیلیانوس، لیون الکساندر (۱۳۸۹). «مسئولیت دولت در عدم پیشگیری و مجازات جنایت بین‌المللی». *مجله تحقیقات حقوقی*، ۱۰(۴۶): ۲۲۵-۲۴۲.

- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج‌البلاغه*. قم: مؤسسه نهج‌البلاغه.

- شکوری، ابوالفضل (۱۳۶۱). *فقه سیاسی اسلام*. جلد اول، چاپ اول، قم: نشر حر.

- شمسایی، محمد و سلیمی ترکمانی، حجت (۱۳۸۷). «تأملی بر مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها ناشی از نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی». *نشریه حقوق اسلامی*، ۱۷(۱۷): ۲۰۵-۱۷۹.

- صلح‌چی، محمدعلی (۱۳۹۳). «دولت در قبال نقض حقوق بین‌الملل بشر توسط شرکت‌های فراملی». *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ۱۶(۴۴): ۱۰۵-۱۲۸.

- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۷۹). *فقه سیاسی (حقوق تعهدات بین‌المللی و دیپلماسی در اسلام)*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.

- کشکولی، خداداد و مرادی، مریم (۱۳۹۵). «عملکرد دیوان کیفری بین‌المللی یک دهه پس از تشکیل». *شیراز: نشر کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزار سوم*.

- لاجوردی، امیر (۱۳۹۸). *مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر*. چاپ اول، تهران: نشر شاملو.